

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نصیر مهرین

۱۱/۰۲/۱۸

## خود کامگان دزد سالار فرو می افتند

صدائی که در شروع زمستان از قیام مردم تونس برخاست، حلقات به هم پیوسته زنجیری را در منطقه به تکان واداشت، که هنوز ره می پیماید. این صدا و صدا ها، فریاد های نهفته و متراکم شده در سینه های مردمانی بود، که سالها شاهد بی عدالتی، فقر، اعمال گونه های ستم و تبعیض خود کامگان بودند.

خصوصیات مشترک سیاسی در حاکمیت و وجوه مشابه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، زمینه تاثیر پذیری و همزمانی قیام ها را فراهم آورد. این است که اگر تحلیل گریسی، تصویری از دزد سالاری نظام متکی به دزدی و فساد در تونس ارائه می کرد، نام زین العابد الدین تونس برای مصری، چهره دزدی و فساد دستگاه حسنی مبارک را مجسم می نمود. وضع در بقیه کشورهای منطقه نیز حالت مشابه را می گرفت. از آن رو بود که نیازمندان تغییر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، خود کامگان سرکوبگر را آماج حملات قرار داده اند.

بدون گمان، آن چه درین جوامع رخ داده و رخ میدهد؛ نتایجی که در شرف شکل گیری اند، سزاوار تأمل و بازاندیشی بسیار توانند بود. از میان نکات طرف تأمل و بررسی، چند مورد بیشتر به عنوان تجربه دو کشور تونس و مصر و کشورهای مشابه در نظر می آیند:

- نخبگان سیاسی که در مبارزات ضد استعماری، کسب استقلال، یا ملی سازی سرمایه های بیگانگان، سهم داشتند، به سوی خود کامگی تا آن جا پیش رفتند که تمام خاک کشور را ملکیت

خویش و مردم را خدمتگاران مطیع و مشکور پنداشتند. دیری از استقلال تونس نگذشته بود که ابو رقیبه مبارز و نامدار، به عنوان مالک تونس و مردم آن کشور به فرمانروائی پرداخت.

- نظام جمهوری رامسخره نمودند. نمونه زشت خودکامگی رازیرنام جمهوریت ارائه دادند. ابورقیبه خود را در سال ۱۹۷۵ رئیس جمهور مادام العمر نامید. واگر زین العابد الدین طی توطئه فریبنده او را برکنار نمود، تحقق همان آرزوی مادام العمر بودن ابورقیبه را برای خودش در پیش گرفت. کاری را که درست حسنی مبارک انجام داد. در واپسین سالها و ماه ها که مریضی و کهولت سن به سراغ مبارک آمده بود، پای فرزند را برای جانشینی در میان آورد. راه و روشی که از سنت پیشینه خانواده های سلطنتی مطلقه شرقی حکایت داشت، در چهره نظام جمهوری خود کامه ادامه یافت. در بقیه کشورهای منطقه، آنانی هم که خود را رئیس جمهور مادام العمر اعلان نمودند، در عمل، به آن مقام تا روز مرگ نشسته اند. امروز صدای نارضایتی بر در و دیوار ساختار های نا تحمل آنها نیز می کوبد.

این گونه حکومتگری همراه شد با زراندوزی، فساد اداری، ایجاد و تقویه نهادهای سرکوبگر و شبکه های مخوف پولیسی.

درسوی دیگر اکثریت عظیم مردم در حسرت دسترسی به حد اقل امکانات زندگی به سر می بردند. نسل درس خوانده و حساسی که شاهد تحولات جوامع دارای نظام دموکراسی بود و مصایب خودکامگی را در کشور خویش به نظاره می نشست، هر روز بیش از پیش آماده ابراز نارضایتی می شد. در واقع از نظر اجتماعی و فرهنگی، وضعیت این کشورها در سطحی بود که دیگر نظام خود کامه غیر قابل تحمل شده بود.

قیام های به حق مردم ناراضی، پاسخی بود به این نیازها.

این قیام ها جوانب متعدد تحسین و آموزش هارا با خود حمل کرد. ادعای رهبری در یک حرکت جمعی و متشکل از اجزای مختلف با باورهای مختلف، وجود نداشت. احترام متقابل در میان اجزای قیام وجود داشت. همه خود کامه و شعار برکناری او را نشانه گرفتند. قیام مردم مصر، درس جالبی از موقف شرمسارانه روحانیت رسمی و دولتی نیز برجای نهاد. روحانیتی که در کانون رسمی الازهر در کناردولت مصر ایستاد، در روزهایی که آبرو باختگی حسنی مبارک بسیار مشهود بود، در دفاع از او و نکوهش قیام فتوا صادر کرد. عملی که در پهلوی سرنگونی مبارک، به بی اعتباری الازهر بیشتر انجامید.

قیام مردمان این دوکشور و قیام هائی که در منطقه در حال رشد اند، درسی را در گوش دولتمردان زر اندوز نیز می آویزد. آنها نمی توانند به نخایر ارزی و سرمایه های بیرون کرده از کشورهای شان دسترسی بیابند. بانکداران با خبر از تمام جزئیات پیشینه سرمایه ها وقتی می بینند که مردم آن

کشور و جهانیان از سرمایه های انتقال داده شده آگاهی دارند، حساب های آنها را می بندند. آنچه در برابر زر اندوزی های حسنی مبارک در سویس رخ داد، افزون بر آن که از چنین سرنوشتی حاکی است، کارنامه های برخی از فرعون های مصری یا نماد هائی از اقتدار، جبر و ستم را تداعی می کند. یکی از آرزو های فرعون های مصر این بود که مردم "آرامگاه" آنها را پیش از مرگ شان آباد نمایند. آرزومند بودند که ساختمان محل دفن خود را پیش از مرگ ببینند. منصلی دوم، فرزند رامسس ۱۳ از آنانی بود که چنان خیال را به گور برد. بدون اینکه کار "آرامگاه"ش به پایان رسیده باشد. حسنی مبارک نمادجاه طلبی و زراندوزی، آرزومند تداوم قدرت در خانواده اش، با شرمساری از تحقق استفاده های شوم محروم شد.

قیام های مردمان تونس و مصر، تا اندازه ای به پیروزی رسیده اند. برکناری خودکامگان دوکشورتحقق یافته است. اما برکناری ها، رسیدن به یکی آرزوها است. تصویری شود هنگامی دموکراسی به جای نظام استبدادی بنشیند، افقی امیدوارکننده به پیشواز مردم و آینده این کشورها خواهد ایستاد. آن جاگزینی می تواند ضمانتی برای حفظ دستاوردها و تحقق آرزوهای مختلف اجتماعی و سیاسی نیز باشد. اما از آنجائی که هنوز درین کشورها، نیروهای مخالف دموکراسی، نهاد های بهره مند از مفاسد پیشینه؛ و مداخله آسبب زای خارجی وجود خواهد داشت، می شود گفت که راه دشواری را درپیش رو دارند.

دولت مصر سالیانه یک میلیارد و سه صد میلیون دلار از ایالات متحده امریکا به ویژه برای ارتش آن کشور کمک رشوت مآبانه می گرفت. احتمال پویش مندی های آن کمک در ارتش و تلاشهای مانع شونده ای را که دولت اسرائیل با تشبثات مختلف به کار خواهد بست، می توان در نظر گرفت.

درین راستا شایسته یادآوری است که شیرازه های خودکامگان در منطقه یکی پشت دیگر فرومی پاشد، آیا دوران انتظار است که سیاست غلط و غصبانه اسرائیلی ها و سیاست غلط یهود ستیزی نیز تغییر دیده و پایان بیابد. تغییر و تحولی که در تغییر سیمای خود کامه و جنگ دیده آن منطقه اثرات ژرفی به سوی دسترسی به دموکراسی برجای خواهد گذاشت.